

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سروش

۲۲ دسمبر ۲۰۱۷

## اعتراف علنی تسلیم طلبان در ارتداد از اندیشه پیشرو عصر-۱

هیچ صیقل نکو نخواهد کرد آهنی را که بد گوهر باشد

سگ به دریای هفتگانه مشوی چونکه تر شد پلید تر باشد

در شرایطی که خلق میهن ما به خون غرق است و در زیر آتش خمپاره های توپ، تفنگ و بمب افکن های اشغالگران و انفجار و انتحار عمال پلید طالبی و داعشی شان سوخته و له می شوند و از چهار سو مورد تهاجم فتنه انگیزان امپریالیستی و دول و محافل مرتجع مذهبی منطقه و یا هم آزمندان همسایه های شمالی قرار دارند، کشور ما توسط امپریالیسم جهانی به سرکردگی ایالات متحده، کاملاً اشغال و تحت سیطره حاکمیت مزدورانی که زیر فرمان آن ها بر خلق ما تحمیل شده اند؛ با سخت ترین شرایط موجوده به سر می برند.

سالیان سال است که زحمتکشان کشور اشغال شده ما همه روزه معروض به انواع ستم اشغالگران، دولت مزدور کابل و مزدوران مرتجع طالب و داعش بوده اند. اوضاع نابسامان، وضعیت غمبار کشور در زنجیر و خلق در خون تپیده آن از کلیه انقلابیون، مبارزان آگاه، اندیشوران مترقی و فرزندان متعهد به سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" می طلبد تا به صورت متشکل و همه جانبه و مؤثر برای رهائی از چنگال اشغالگران و عمال پلید شان به مبارزه بی امان ادامه دهند و برای نجات خلق ستمدیده افغانستان و برای آزادی ملتی از قید اسارت استعمار که طی چهار دهه با متجاوزان و نظام های برده منش تحمیلی آنان دست و پنجه نرم کرده و می کنند؛ سعی و مجاهدت ورزند.

رهروان راستین راه مجید ها، رهبر ها، سرمد ها، شریف ها، جرأت ها، میرویس ها، رستاخیز ها، بهمن ها و... همان گونه که در گذشته قربانی های فروانی از رهبران و آزادگان و فرزندان رنج و ایثار را در این راه به خاطر ایجاد یک افغانستان آزاد، مترقی و آباد نثار کرده اند؛ امروزه نیز در برابر غول استعمار و استبداد زمان به مانند صخره متین بوده و قسمی که آرمان مجید و اوضاع خونبار کشور می طلبد، عاشقانه در مقابل دشمن کشور و خلق مظلوم آن ایستاده اند؛ نه این که راه آزادگان را رها، با نقاب و ماسک ریائی انقلابی نمائی، آرمان «جهانی شدن» را در سر بپرورانند!

شیفتگان جهانی شدن و دلدادگان دموکراسی قلابی وارداتی امپریالیسم در کشور اشغال شده، دیروز از "آبروی دموکراسی" حرف می زدند، رویه ریاکارانه خطرناکی را پیشه کرده و اندرز های فریبکارانه ارائه نموده اند؛ ولی در واقع امروز نقاب و ماسک را از رخ برداشته و چهره کریه اصلی خویش را نمایان ساخته اند. این دغلبازان با توکل به

امپریالیسم قاتل هموطنان شان و یا هم با تبعیت از جهانی شدن، بخت شوم شان را تجربه و نمی توانند در فراسوی سرمایه، به هیچ چیز دیگری بیندیشند. هرچند تا هنوز این سفسطه گران بدآموزی شان را در بین صفوف رزمندگان و آزادگان آگاه نتوانسته اند راه دهند، چنان که هرگز نخواهند توانست؛ بر ما است که خاموش ننشسته، برای ساکت نمودن زبان این مرتدان که از هیچ یک از خون آشامان و دشمنان قسی القلب خلق افغانستان کمی و کاستی ندارند و بدتر از آنان اند، هر هموطن آزاده و هر ادامه دهنده پاك طینت و رهروان راه مجیدها، رهبرها، سرمدها، میرویسها (متعهدان به آرمان جان بازان سامانی و انقلابی کشور) را از نیت شوم شان آگاه ساخته و وظیفه خود می دانیم تا به نقد نظریات پلیدی که سالها با فریب و نیرنگ های اغواگرانه به خورد ناآگاهان می دادند، ماهیت پلیدی آنان را افشاء سازیم.

این راست های تسلیم شده به درگاه امپریالیسم متجاوز در عین خدمت به اشغالگران و سر دادن شعار های آنان؛ با خود فروختگانی که وطن و مردم ما را فروختند، کُشتند و بستند و برای خلق های زیر ستم جنگ و ویرانی و ستم آفریدند و برای طبقات محروم، کارگران و دهقانان مصیبت خلق کردند، امروز در همسویی کامل به ته سفره خواری نشسته و راه نجات خلق ما را در زیر ساطور قصابی امپریالیست های جهانخوار و حکومت دست نشانده اشغالگران جست و جو می کنند. ننگ به این وجدان فروختگان و رسوایان سفسطه گوی جهانی شدن! اینها که خود گور خود را کردند، اینک به مثابه پاسخ و سیلی محکمی به نقد و بررسی چرندیات شان پرداخته و نشان خواهیم داد که این عده تسلیم طلب مطرود و منفور خلق، جایی در صفوف "ساما" و دنیای انقلاب و مبارزه فرزندان آگاه خلق سلحشور افغانستان ندارند. این قماش خودفروختگان رسوای چپ دیروزی تسلیم شده به استعمار، خس و خاشاکی اند که سیل خروشنده انقلاب آنان را به چاه و چاله مذلت روفت و روب خواهد داد.

این تسلیم طلبان مرتد و تجدیدنظر طلبان بی حیا با آن که در زیر پای امپریالیسم له شده و با ارتجاع بومی هم آواز و همدست گردیده اند، از سری که به پای خوکان، ستمگران اشغالگر و دولت پوشالی، جلادان و وطن فروشان جهادی و "خلق و پرچی" خم نموده اند، گویا الترناتیف جدید و کاغذ پیچی را در راه نجات خلق افغانستان از زرادخانه امپریالیسم دریافته و آن را می خواهند نهادینه و پیش شرط نخست بقاء و پیشرفت کشور دانسته و به مردم اسپر افغانستان توصیه می کنند؟! ننگ و نفرین تاریخ بر این بردگان بی اراده که در زیر چتر لیبرالیسم نو و با شعار جهانی شدن به چرندیات و سفسطه گویی پرداخته و در عین حال، از هجدهم جوزا روز جاودانگی زنده یاد مجید و همه جانبازان سامانی نیز حرف و سخن دارند. بار بار مرگ و نفرین ابدی نثار شان باد!

بیانید به اعلامیه این انقیاد طلبان بی بدیل که در قرن بیست و یکم نجات بشریت مترقی، معذب و حرمان کشیده را نه در مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع همسرشت آن، بلکه از طریق همکاری و هماهنگی با آن می جویند، نظری بیفکنیم. هر چند به قول "ماتوتسه دون" نظریات انحرافی و تسلیم طلبانه این مرتدان درگاه استعمار از تپاله های گاو هم بی ارزش تر است؛ باز بنابر تأثیر سوئی که سموم فکری این عناصر خیانت پیشه و گمراه بر یک عده از دنیا بی خبر و متوهم داشته است، لازم دیده شد تا در مقابل آن پادزهری ارائه شود.

حال می پردازیم به متن گفتار این مرتدان که خود را پرچمدار و میراث دار بلاقید و شرط سازمان پر افتخار "ساما" می دانند، ولی در نقش مداحان استعمار از آبشخور امپریالیسم اشغالگر تغذیه می شوند. ما توجه خواننده ارجمند را به صفحه بیستم «اعلامیه» باند فتنه گر تسلیم شده به دشمنان سوگند خورده خلق ستمکش افغانستان، معطوف می داریم و می بینیم که چنین یاوه گویی می کنند:

« جهان از مدتی به این طرف به ویژه با ورود به قرن جدید تحولات خیره کننده را شاهد می باشد. چشم بستن بر روی این همه دگرگونی ها و تحولات به معنی دور ماندن از واقعیات و ساده انگاری در قبال دنیای بیرون است. اوضاع جهانی نیاز به کاوش و بازنگری در تمامی حوزه ها و لایه های گوناگون فکری، سیاسی، اقتصادی، ساختاری و عملی دارد، که بر اساس واقعیت های جاری استوار است.

این باز بینی ها نه تنها گستره اوضاع عمومی مناسبات بین المللی، قوت ها و نیرو های موثر در مرکز و پیرامون، اتحاد های جدید و قطب بندی ها، بل بسیاری از مقولات و تعاریف کلاسیک و قرن بیست را نیز در بر می گیرد. اگر تا دیروز قضیه ( دولت - ملت ها) مدرنیسم و مدرنیته نماد دنیای روشنگری و تجدد بود، امروز پست مدرنیسم و پست (دولت و ملت) ها مطرح می باشد. که تمامی این مجموعه از جغرافیای سیاسی و اقتصادی مساله " جهانی شدن " و " جهانی سازی " تاثیر بر میدارند.

نگاه گذرا به سیمای جهانی نشان می دهد که اگر در گذشته و برای مدتی روابط و مناسبات بین المللی بیشتر بر پایه ایدئولوژیک و نزدیکی های خطی استوار بود، حال جای آن را " منافع مشترک " گرفته و بسیاری از " تقابلات " به تعاملات جا عوض نموده اند.

چین تحت حاکمیت حزب کمونیست و همه تقابلات بیشترین معاملات و تبادلات اقتصادی را با جهان غرب و امریکا دارد. و بنابر تئوری سه جهان روسیه خطر جدی بود، ولی حال یکی از نزدیک ترین متحدین منطقه ای برایش می باشد، ویتنام قهرمان بهترین میزبان برای نمایندگان دیپلماتیک امریکا اند، و یخ های روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا در حال آب شدن است. ترکیه به آن که همواره در چنمبره سیاست های غرب زندگی نموده، یک شبه به طرف روسیه میلان می یابد و ده ها مثال دیگر اصول و استقبالیایی و امثال آن کهنه به نظر رسیده و باید از نو تعریف شوند.

در چنین دنیایی هیچ کشوری نمی تواند اطرافش دیوار بکشد و یا در انزوا دوام آورد. وابستگی ها دیگر وابستگی های یکطرفه نبوده بل بدرجاتی متفاوت وابستگی جهانی نیز مطرح می باشد. در این دنیا قطع وابستگی و مناسبات بین المللی بزرگترین قدرت های سرمایه داری را نیز به زانو درمی آورد.

" جهانی شدن " یک واقعیت انکار ناپذیر بوده و عاقلانه است که ما هم به عنوان یک کشوری که در سطح منطقه توجه مسائل جهانی روی آن متمرکز بوده و یکی از محراق های معضلات بین المللی از این منظر می باشد، مطابق این واقعیت، جایگاه سیاست و مواضع خود را تعیین و قابل عمل گردانیم.

در غیاب و انکار چنین واقعیات و بیرون نیامدن از چوکات و فورم های گذشته و لجاجت روی آن به ویژه اصرار بر تداوم شعار ها، شمایل، ابزار و لباس رزم قرن بیستمی و نه پذیرفتن لزوم تغییرات و تحولات، باید بر طرز نگرش و بنیاد پویایی فکری و سیاسی خود خط بطلان کشیده و بر انجماد و تاجر تمکین کرد!

در همه حال جهان با وجود همه تلاطمات و دگرگونی ها از شکفتی های پیشرفت تکنولوژی گرفته تا جهانی شدن، از نقد ایدئولوژی ها گرفته تا نوپردازی های سیاسی و ساختاری در مضمون اصلی و حرکت پیشرونده تاریخی خود همچنان نمی تواند گرایش اصلی و اساسی عدالت و آزادی موجود در شاهرگ هایش را نفی و انکار نماید. -/ نقل قول

**ویراستاری نشده است- پورتال]**

برای افشای شیطننت این کوراندیشان و آزادخواهان کذاب که مصروف حمد و ثنا و خوشخدمتی اشغالگران و حاکمان ارگ غلام شاهی اند، ولی در همان حال از آدرس رهبران نامور و پرافتخار ساز مان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"

به نشر و پخش اعلامیه ای که شیفتگی و دلبستگی شان را به جهانی شدن و به نئولیبرالیسم امریکائی متجلی نموده است، پاسخی را غرض رد چرندیات شان ذیلاً ارائه می دارم:

در قرن جدید ترقی روزافزون صنایع و اختراعات اخیر چنان کارگران و زحمتکشان را اسیر پنجه آهنین جهان سرمایه نموده است، که به قول مارکس تمامی هستی شان را ساقط و چیزی برای حیات شان به غیر دو دست کارکن باقی نگذاشته است. تمام خلق های رنج کشیده تهی دست و زحمتکشان اعم از دهقانان و کارگران و کسبه کاران روزمزد از نتیجه فشار های اقتصادی سرمایه داران و دلالان جهان سرمایه مبدل به بردگان و مزدوران کشور های امپریالیستی شده اند. اثبات این مطلب را در گسترش جنگ های تحمیلی و نیابتی امپریالیست ها در افغانستان، عراق، سوریه، یمن، لیبیا، پاکستان و... چشمان تاریک بین این کوراندیشان نمی بیند، که به خاطر غارت ثروت های ملل و انباشت سرمایه به راه انداخته شده است، علاوه از فشار ها و محاصره های اقتصادی به نام تحریم های روزافزون بر خلق های جهان، هر روز در گوشه ای از جهان و همین دیروز در مورد ایران و بسا کشور های پیرامونی که منجر به فقر و تنگدستی وسیعی از خلق های بی دفاع با ویرانی و فروریختن بنیاد های اقتصادی و زیربنا های کشور های زیر ستم شده است، همراه با لشکر کشی، قتل و غارت که منجر به ترك اجباری میلیون ها مهاجر از خلق های زحمتکش و کارگران و دهقانان سرزمین های اشغالی و تحت نفوذ بالفعل امپریالیست ها از سرزمین شان شده و در کشور های اروپا و یا هم امریکا و سائر کشور ها من حیث برده سرمایه به کار های شاقه استخدام می شوند و محصول دستمزد شان هم غارت می شود. ما شاهدیم که این ها همه از منطق جهانی شدن و جهان سازی از آدرس امپریالیسم بر خلق های زیر سیطره شان نشأت کرده است. آن چنان که بر هیچ کس پوشیده نیست، سود های فوق العاده حاصله، پیوسته رو به تزاید است و سرمایه داران پیوسته کلانتر و کلانتر می شوند، در حالی که مزد کار و یا روزمزد کوچک تر و توده زحمتکشان که تنها از دستمزد روزمره خود زندگی می کنند، هر روز عده بیشتر آن ها فقیر و فقیر تر می شوند، چگونه می توان این تضاد فقر و غنا را حل کرد. آیا با جهانی شدن؟!

جهانی که ما امروز در آن به سر می بریم، سراپا انباشته از نابرابری ها، تبعیضات، ستم طبقاتی، ستم امپریالیستی و... است که با توجه به آینده بشر موجب نگرانی های بیشتری است. تشدید اختلافات طبقاتی میان فقیر و غنی، میان تاراجگران و تاراج شدگان، تشدید بحران ها و آتش افروزی امپریالیسم جهانی در سطح جهان، واقعیت های زنده جهان کنونی در تحت سیادت امپریالیسم اند. هر جا که پای جهانخواران نئولیبرال گذاشت شده، آن را طعمه قرار داده اند و مردمان و سرزمین های شان را به خاک و خون کشیده و ثروت های شان را به غارت برده اند.

آیا این همه تحولات و تغییرات و "شکفتی های پیشرفت تکنولوژی" در قرن جدید؛ رفاه و آسایش را همگانی ساخته و ثروت و سهولت را در اختیار انسان های معذب و فقرای جهانی قرار داده است؟ پاسخ منفی است!

اقتصادی که بر مبنای اصول و اندیشه جهانخواران سرمایه و نئولیبرالیسم امریکا پایه گذاری شده، بیش از پیش ابزاری برای باجخواهی از خلق های زحمتکش و تهیدست سراسر جهان است و بس. البته به هیچ وجه نمی تواند برای ساماندهی به زندگی آینده بشریت در کلیت چاره اندیشی و برنامه ریزی داشته باشد. برنامه ریزی های آن ها به هیچ وجه نه برای آسایش و رفاه همگانی، بل خود وسیله ای و آهنگی برای تصاحب بخش های هر چه بزرگتر از حاصل کار دست پرآبله کارگران و زحمتکشان بوده که چاق و چله و ستمگستر می شوند.

دامه دارد